

امشب ما یک مهمان هم داریم آمنه دوست من که از دهکده دیگر به نام پوشیپورا به خانه ما آمده است.همچنان که ما مشروح به خواندن می کنیم مادرم ما را سرزنش می کند. او می گوید این ها کارهایی است می خواهی بعد از ازدواجت انجام بدهی؟
افلاّ یک کمی هم آشپزی و خیاطی یاد بگیر وقتی ازدواج کردی یاد بگذاری پخت افتخار کنییم. پدرم برعکس مادرم عاشق آوازه ا و کرکر خنده های ما بود.من پدرم را «هوث» خطاب می کنم معنی اش به کشمیری «دلخواه ترین فرد» است. او یک پاسبان در اداره پلیس جامو و کشمیر است و بیشتر وقت ها در خانه نیست.

پدربزرگ من از کار پدرم خوشش نمی آید چرا که او پسر بزرگش یعنی عمویم را به خاطر شلیک گلوله یک نیروی ارتشی از دست داد.آیا این آزاردهنده نیست که فرزندت را به خاطر یک درگیری از دست بدهی و پسر دیگر در خدمت پلیس باشد؟
عمو من محمد اقبال یکی از آن جوان هایی بود که فکر می کرد اگر بخواهیم فقط از طریق سیاسی با

نیمه پنهان کشمیر – ۷۳

نویسنده: بشارت پیر مترجم: بهزاد طاهرپور

انغال کشمیر توسط هند مخالفت و مقاومت کتیم راه به جایی نخواهیم برد. این ها همه از زمان نپور، قول های پوچ و توخالی بودند که بخود مردم داده شد.
او در یک درگیری با ارتش در سرینگر شهید شد. شاید برای شما تعجب آور باشد که از زبان یک دختر روستایی واژه هایی مانند «انغال»، «مقاومت» و «قول های نپور» را بشنود اما همه این ها را عمویم به من یاد داد.
او کسی بود که به سؤالات من در مورد خون و انفجارها در خیابان پاسخ داد در حالی که در همان زمان دیگران به من می گفتند که من برای این سؤال و جوابها خیلی جوان هستم. او داستان کشمیر را نه از زمان تجزیه شبقراره و قول های نپرو بلکه از زمان حکومت دوگراها

برایم روایت می کرد. آن گاه یک روز به ما گفته شد که او دیگر در میان ما نیست. آخرین چیزی که من از او به یاد دارم این است که جنازه او توسط محلی ها و ساکنان پنج روستا آن طرف تر تشییع شد. از آن روز به بعد به خاطر دارم در هر عملیات محاصره و تجسس ارتش، با خانواده ما در مقابسه با خانواده های غیر مرتبط با مقاومت، رفتار خشن تر و خصمانه تری در پیش گرفته می شد.

مادرم با من در چمنزار می ایستاد و اجازه می داد که ارتش هر چیزی را غارت یا ویران کند. آنها از او می خواستند

آنجا که می خواهم صادق باشم باید در مورد ترسم صحبت کنم. هر شب من با این ترس به خواب می روم. روستای من نزدیک خط کنترل مرزی است و از آرایش به دور است.

از زمانی که در خیابان خون دیده ام هر شب سسوره فاتحه را قرائت می کنم. در کوپورا زمانی که از مدرسه به خانه برمی گشتم قبل از آنکه عمویم به شهادت برسد مردم در تظاهرات شعار می دادند «ما چه می خواهیم؟» و جواب می آمد «زادی» «زادی».

مادرم با من در چمنزار می ایستاد و اجازه می داد که ارتش هر چیزی را غارت یا ویران کند. آنها از او می خواستند سلاح های مخفی شده را نشان دهد. او با گریه به آنها می گفت که از محل اختفای سلاح ها خبری ندارد.

رفتار خشن با خانواده های مقاومت

سلاح های مخفی شده را نشان دهد. او با گریه به آنها می گفت که از محل اختفای سلاح ها خبری ندارد.
او به آنها تأکید می کرد که پدرم پاسبان اداره پلیس است اما آنها اهمیتی به این چیزها نمی دادند. همه آن چیزی که آنها در مورد ما فکر می کردند این بود که خانواده ما به مبارزین گرایش دارد. آنها عملیات محاصره و تعقیب را در بعد از ظهرها، شبها دیرهنگام یا حتی در صبح زود به اجرا می گذاشتند و این رفتار ویژه با خانواده

من مرتباً تکرار می شد. من دیگر به این بگیر و ببندها عادت کرده بودم با این وجود امشب این حس نگرانی را بیشتر احساس می کردم. حس ششم در برخی مواقع واقعاً ترسناک است. باید اعتراف کنم دلپیش رانی دانستم از



خبرنگاران می باشد. این مطالب در واقع پاسخ به سؤالات ناشی از سروکار داشتن با اسناد و جزئیات شخصی بود که ذهن من و افکار فوق العاده فعالم را درگیر خود ساخته بود طوری که در این بین دچار سرگیجه شدم.
من تلاش کردم از طریق مطالعه حقایق آن شب به تمام جوابهایم برسم اما نتوانستم. من به دنبال جواب به سؤالاتی مانند اینکه احساس یک دختر روستایی پس از آنکه قربانی آمریکا» شدند آن نمایشگاه مجموعه ای از هفتاد و نه اثر «پیشرو»، از جمله آثار جورجیا اوکیف، آدولف گوتلیب و «پیشرو» که قرار بود به اروپا و آمریکا و آرسنیل گورکی بود، که قرار بود به چین و فریاد کشیدن

طبق گفته زنان واژه «تجاوز» به پلایه که سرانهای ما آید گویا و کافی نیست. این «تجاوز» نیست بلکه «جنگی» علیه زنان است. زنان توسط ۵ یا ۶ و حداکثر بیش از ۲۰ نظامی مست هندی ابتدا بازداشت شدند سپس شوهران، پدران و پسران با بازور از آنها جدا گردیدند. زنان در حالی که پشتشان به دیوار بود برای کمک شروع به زنج زدن و فریاد کشیدن

زنان قربانی / بارماندگان

با این وجود تا امشب هیچ توقعی نداشتم آنهائی که ادعا می کردند مدافع و حامی ما هستند می توانند بدون شلیک گلوله ای روح ما را هدف قرار دهند. نه تا امشب وقتی سکوت شب با کوبیدن در خانه شکسته شد.
روایت «دوری» در ادامه مقاله دنبال خواهد شد
هر افسانه ای حاوی برخی از حقایق است و هر حقیقتی اگر به دقت آن را مطالعه کنیم به نظر افسانه می آید. ما هرگز نمی توانیم به کته چیزی هر چقدر هم که سخت در مورد آن کنکاش کرده باشیم دست باییم.
روایت فوق الهام گرفته از ملاقات ها و گفت وگوهای من با مردم روستاهای کنل و پوشپورا و مطالعاتم در مورد اظهارات قربانیان به حقیقت جویان، محققین، پلیس و

یکی از بازماندگان در اظهاراتش به پلیس که در مارس ۱۹۹۱ ارائه شد و توسط «اتلاف جامعه مدنی جامو و کشمیر» که روایت شده است می گوید: صدای در زدن را ساعت ۱۱ شب شنیده است. همچنان که در باز شد نظمیان بهزور وارد خانه شدند و شوهر و برادر زن را بازداشت کردند و با خود بردند. برخی از آنها در خانه ماندند و شروع به جست و جو کردند. آنها وقتی بهانه ای نیافتند آن زن را گرفته و به وی تجاوز کردند.

او گفت: «انها در حال تجاوز به من الکل مصرف می کردند، بچه های من فریاد زدند اما هیچ کس به کمک ما نیامد». او از حال رفت و صبحگاه به هوش آمد. شوهر و برادر شوهر نیز صبح بازگشتند. برادر شوهر دچار خونریزی شده و در شرایط بحرانی به سر می برد.

پاورقی

Research@kayhan.ir

صفحه ۶

چهارشنبه اول مرداد ۱۴۰۴

۲۷ محرم ۱۴۴۷ – شماره ۲۳۹۱۲

رسمی تبدیل شده بود.» حالا تصویری وحشتناک از بربرهایی که در پشت دروازه های کاخ هنر والا کمین کرده بودند، به تخیل نخبگان فرهنگی نفوذ کرد.
دوايت مکدونالسد این حملات آوانگارد (بولشویسم فرهنگی) به هنر را با عنوان «Kulturbolschewismus» محکوم کرد و استدلالش این بود: «اگرچه آنها به نام دموکراسی آمریکایی ارائه می شوند، در واقع منعکس کننده حمله های توتالیتر به هنرها هستند. شوروی ها (و در واقع بخش زیادی از اروپا) می گفتند که آمریکا یک بیان فرهنگی است و به نظر می رسيد که رفتار نمایندگان کشوره آمریکا نیز- این مطلب را تأييد می کند. استراتژیست های سوسی بالا که مشتاق بودند به جهان نشان دهند در آنجا هنری متناسب با عظمت و آزادی آمریکا وجود دارد، در یافتند که نمی توانند حمایت عموم مردم را نسبت به این ادعا جلب کنند به دلیل این که مخالفت های داخلی بسیاری وجود داشت. پس چه کردند؟ آنها به سازمان سیا روی آوردند و مبارزه برای اثبات شایستگی های

می کنند، هنر را به عنوان یکی از راه های تبلیغات (سیاسی) خود انتخاب کردند.
نماینده دیگری که از نیاکان شایسته جسی هلمز بود، فریاد زد: «من فقط یک آمریکایی احمق هستم که بابت این نوع زباله ها (که اسم هنر روی آن گذاشته اند) مالیات می پردازم. اگر حتی یک نفر در این کشور باشد که باور دارد این نوع مزخرفات... درک بهتری از زندگی آمریکایی می آورد، پس باید به همان تیمارستانی فرستاده شود که افرادی که این چیزها را کشیده اند از آنجا آمده اند.»

جنگ سرد فرهنگی: سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۱۴۰

لغو نمایشگاه «پیشبرد هنر آمریکا»



اکسپرسیونیسم انتزاعی در برابر تلاش برای لکه دار کردن آن آغاز شد.»

بردن (Braden) بعدها در خاطرات خود نوشت: «ما دو دوندرو (Dondero)، نماینده کنگره مشکل زیادی داشتیم. او نمی توانست هنر مدرن را تحمل کند. فکر می کرد هنر مدرن هجوست. فکر می کرد گناه است، فکر می کرد زشت است. او جنگ سختی درباره نقاشی راه انداخت و کار را برای ما بسیار سخت کرد تا کنگره با برخی از کارهایی که می خواستیم انجام دهیم (فرستادن هنر به خارج، فرستادن سمفونی ها به خارج، انتشار مجلات در خارج و هر چیزی از این دست) موافقت کند.

این یکی از دلایلی بود که باید کارها به صورت مخفیانه انجام می شد؛ هنر مدرن باید مخفی می شد زیرا اگر به رای در یک دموکراسی گذاشته می شد، رد می شد. برای تشویق صراحت و صداقت، باید پنهن کار می کردیم.» اینجا دوباره آن پارادوکس متعالی استراتژی آمریکا در جنگ سرد فرهنگی نمود پیدا کرده بود. برای ترویج بدشوش هنری که در دموکراسی تولید شده بود (و به عنوان نمایشی از دموکراسی مورد ستایش قرار می گرفت)، باید خود فرایند دموکراتیک روز رده می شد.

با این که اعتراضات دوندرو احمقانه به نظر می رسید، تا اواخر دهه ۱۹۴۰ او توانست باعث فروپاشی تلاش های متعدد وزارت امور خارجه برای استفاده از هنر آمریکا به عنوان سلاح تبلیغاتی شود. بی فرهنگ ها در سال ۱۹۴۷ پیروزی اولیه ای کسب کردند یعنی زمانی که باعث لغو نمایشگاهی از وزارت امور خارجه به نام «پیشبرد هنر آمریکا» شدند. آن نمایشگاه مجموعه ای از هفتاد و نه اثر «پیشرو»، از جمله آثار جورجیا اوکیف، آدولف گوتلیب و «پیشرو» که قرار بود به اروپا و آمریکا و آرسنیل گورکی بود، که قرار بود به چین و فریاد کشیدن

لغو نمایشگاه «پیشبرد هنر آمریکا»

لاتین سفر کنند. این نمایشگاه به پاریس رسید، سپس به پراگ رفت، جایی که آن قدر موفق بود که روس ها بلافاصله یک نمایشگاه رقیب به آنجا فرستادند. توجیه رسمی این اقدام این بود که «برای مخاطب خارجی، هرگونه تصور از شخصیت آکادمیک یا تقلید هنر معاصر آمریکا را از بین ببرد.»

یکی از منتقدان در ستایش این نمایشگاه چنین گفت: «بن بار ما نه بردنی (نوعی مشروب آمریکایی) خاکی در بطری هایی به تقلید از کینیک (نوعی مشروب فرانسوی) صادر می کنیم و نه آب انگور غیر الکلی، بلکه بورین واقعی که در بشکه چوبی جافتهه صادر می کنیم، یعنی همان چیزی که به حق می توان آن را شراب اصل آمریکایی توصیف کرد.»

بی فرهنگ ها در سال ۱۹۴۷ پیروزی اولیه ای کسب کردند یعنی زمانی که باعث لغو نمایشگاهی از وزارت امور خارجه به نام «پیشبرد هنر آمریکا» شدند. آن نمایشگاه مجموعه ای از هفتاد و نه اثر «پیشرو»، از جمله آثار جورجیا اوکیف، آدولف گوتلیب و آرشیل گورکی بود، که قرار بود به اروپا و آمریکای لاتین سفر کند. این نمایشگاه به پاریس رسید، سپس به پراگ رفت، جایی که آن قدر موفق بود که روس ها بلافاصله یک نمایشگاه رقیب به آنجا فرستادند.

این نمایشگاه به جای پیشبرد اهداف هنر آمریکا، تشلگر عقبنشینی شور آن بود. نمایشگاه با مخالفت شدید در کنگره مواجه شده و نمایندگان، آن را به عنوان عصری خرابکار و «غیر آمریکایی» محکوم کردند. یکی از سخنرانان کنگره تشخیص داده بود که نمایشگاه قصد تخریب آمریکا را داشته و می خواهد به کار خرابی ها بپردازد. مردم آمریکا ناامید، شکست خورده و دارای قیافه های زشت که کاملاً ناراضی از وضعیت خود و مشتاق تغییر دولت هستند. کمونیستها و همسفران آنها که مطابق با طرح پیمان جدید (New Deal) پشان را همراهی

نام مستعار کودک: هامون

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹

مکان پیدا شدن: بیمارستان فیروزآبادی

ارجاع دهنده: بیمارستان فیروزآبادی

نام مستعار کودک: نیما

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

مکان پیدا شدن: بیمارستان مهدیه

ارجاع دهنده: بیمارستان شهدای پاکدشت

نام مستعار کودک: پدحام

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۴/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹

مکان پیدا شدن: بیمارستان انصار الغدیر

ارجاع دهنده: بیمارستان انصار الغدیر

اسلامی ۹ نفر از فرزندان تحت پوششی شیرخوارگاه شیر

نام مستعار کودک: کیان

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱

ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی شهرستان رباط کریم

نام مستعار کودک: امیرعلی

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸

ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نام مستعار کودک: شقایق

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷

ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نام مستعار کودک: امین

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱

مکان پیدا شدن: بیمارستان الغدیر بومهن

ارجاع دهنده: بیمارستان مفید

نام مستعار کودک: کیسو

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۸

مکان پیدا شدن: بیمارستان مهدیه

ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

اسلامی ۷ نفر از فرزندان تحت پوششی شیرخوارگاه حضرت آمنه (س)

نام مستعار کودک: شبرین

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶

ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نام مستعار کودک: ارسلان

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱

ارجاع دهنده: بیمارستان بهارلو

نام مستعار کودک: سبجان

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸

ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نام مستعار کودک: سیما

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰

مکان پیدا شدن: بیمارستان امام خمینی شهریار

ارجاع دهنده: بیمارستان امام خمینی شهریار

نام مستعار کودک: شاهان

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۸

مکان پیدا شدن: بیمارستان امام حسین بهارستان

ارجاع دهنده: بیمارستان امام حسین

اسلامی ۹ نفر از فرزندان تحت پوششی شیرخوارگاه شیر

نام مستعار کودک: شاهرخ

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸

ارجاع دهنده: بیمارستان آرش

نام مستعار کودک: شهلّا مطرب

تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲

ارجاع دهنده: بیمارستان بهارلو

نام مستعار کودک: سوجان محبوب پهرانی

تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

ارجاع دهنده: بیمارستان شهریار

نام مستعار کودک: کیهان

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۳

ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نام مستعار کودک: ابوالفضل

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی شهرستان پاکدشت

نام مستعار کودک: آرتین

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۶

ارجاع دهنده: بیمارستان امام خمینی شهریار

نام مستعار کودک: ملکا

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۳/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۳

ارجاع دهنده: بیمارستان آرش

نام مستعار کودک: نگار

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۵

ارجاع دهنده: بیمارستان امام سجاد شهرستان شهریار

نام مستعار کودک: آوا

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۴/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نام مستعار کودک: مهوین

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۲

ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نیازمندی های کیهان

قول رگمی تلفنی

از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر

تلفن: ۰۵-۳۳۱۱۲۲۹۲

فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳

niyaz.mandiha@kayhan.ir

نام مستعار کودک: دیار(معالج دارینی)

تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵

ارجاع دهنده: بیمارستان شهدای تجریش

نام مستعار کودک: هانا

تاریخ تولد: ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۹

ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی شهرستان ورامین

نام مستعار کودک: پارسا

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۶

ارجاع دهنده: بیمارستان امام حسین^(ع)

نام مستعار کودک: تندیس

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۴/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹

ارجاع دهنده: بیمارستان اکبرآبادی

نام مستعار کودک: بهارک

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۷

ارجاع دهنده: بیمارستان تامین اجتماعی شهرستان شهریار

نام مستعار کودک: فراز

تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۷

ارجاع دهنده: بیمارستان سردار سلیمانی شهرستان شهر قدس

با حضور در نیازمندی های روزنامه کیهان کار خود را گسترش دهید

ویژه نامه تخصصی خودرو با مطالبی متنوع و کادری ورزیده با آخرین اخبار روز بهترین مکان جهت درج آگهی های شما